

## عوامل ضعف اعتدال و عقلانیت و تأثیر آن در پیدایش افراط‌گرایی در جهان اسلام

آیت فتحی کندوله\*

الهام مریمی\*\*

### چکیده

امروزه برخی از کشورهای خاورمیانه، که زیر لوای دین اسلام در حال رشد و توسعه‌اند، به علت ضعف اعتدال و عقلانیت در عملکردشان به پدیده افراطی‌گری در سنت، فرهنگ، و دین دچار شده‌اند. از این میان افراط‌گرایی دینی، بیش‌تر از هر چیز، نتیجه پدیدآمدن گروه‌هایی متصف به خروج از اعتدال و عقلانیت است که باعث شکل‌گیری تنش در سطح منطقه و خلق صورتی غیرواقعی از اسلام و جوامع اسلامی شده است. در این مقاله برآن‌ایم تا با روش توصیفی - تحلیلی به این سؤال پاسخ دهیم که چه مؤلفه‌هایی زمینه تضعیف عقلانیت و اعتدال و سرانجام بروز افکار و اعمال افراط‌گرایانه را در جوامع مسلمان فراهم کرده است؟ برای این مهم ضمن تعریف مفهوم اعتدال و عقلانیت و ارزش آن از نگاه قرآن، احادیث، و کلام بزرگان به بررسی مؤلفه‌های افراط‌گرایی می‌پردازیم. به نظر می‌رسد که برداشت سطحی از متون دینی، فقر و بی‌کاری، نابرابری‌های اجتماعی، رشد در محیط نامناسب، آلوده‌شدن فضای مجازی و ماهواره‌ای به تبلیغات نادرست، هم‌نشینی سوء هم‌سالان و تأثیرپذیری‌شان از یک‌دیگر، و تمرکز مذاهب بر اختلافات و دوری از اشتراکات از اصلی‌ترین عوامل خروج از عقلانیت و اعتدال در جوامع اسلامی است که به عملکردهای افراطی منجر می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** جوامع مسلمان، نبود اعتدال و عقلانیت، افراط‌گرایی، تأثیرپذیری.

\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی کرمانشاه، chero\_f62@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فردوسی مشهد، ma.elham2014@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۷

## ۱. مقدمه

توازن و استقرار اساس زندگی اجتماعی است و اگر جامعه این دو عنصر را از دست بدهد دچار افراط‌گرایی می‌شود. برای برقراری توازن و هم‌گرایی در جامعه هم‌نشینی عقل و دین ضروری است، به‌ویژه در جوامع مسلمان که دین در همه عرصه‌های زندگی نقش دارد و در پیش‌گرفتن اعتدال در امور مختلف امری مهم می‌نماید. ارسطو، معلم و اندیشمند بزرگ یونان، معیار اخلاق و رمز نیک‌بختی را میانه‌روی و رعایت حد وسط (ارسطو، ۱۳۸۵: ۵۱-۷۶) و افراط و تفریط را در امور خلاف عقل می‌دانست. امام علی (ع) اندیشمند و پیشوای بزرگ مسلمانان هم بیان داشته است: «المؤمن سیرته القصد و سنته الرشاد» (مؤمن شیوه‌اش میانه‌روی است و روشش پیمودن راه راست) (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶: ۳۵۴۰).

باید دانست که اعتدال فقط در مواردی معنا دارد که آن پدیده قابل اتصاف به اعتدال باشد. می‌توان گفت در دایره باورها و ارزش‌های دینی، که زیاده‌روی در آن‌ها معنا ندارد، هم‌چون محبت و فداکاری، اعتدال نیز بی‌معناست. «در اعتدال‌گرایی چون فکر بر زبان و واکنش حاکمیت دارد، افراد و سیستم‌ها روشمند و حقوقی هستند و برای پیش‌برد امور به همان اندازه که هدف و افق اهمیت دارد، روش و نحوه انجام کارها هم قداست دارد. هیجانی نبودن، مزاجی نبودن، فی‌البداهه نبودن، واکنشی نبودن، و صرفاً با زبان مسائل را حل نکردن از مختصات اعتدال‌گرایی است» (سریع‌القلم، ۱۳۹۲: ۹). اعتدال‌گرایی انعکاس فکر، برنامه، و عقلانیت است و افراط‌گرایی «تعصب در رأی و اندیشه و تجاوز از حد اعتدال است. آنچه مترتب بر این تعصب است گاهی رفتار انسانی ظالمانه و گاهی دیگر رفتار غیرانسانی است» (عویس، ۱۹۸۲). امروزه بسیاری از افراط‌گرایان مهره بازی اصحاب قدرت و سیاست‌مداران شده‌اند؛ به‌ویژه متحجران اسلام‌گرا که با برهم‌زدن وحدت و امنیت ملی و تغذیه‌شدن از سوی دولت‌های مخالف زمینه تفرقه و ناامنی داخلی و هم‌چنین زمینه برای جولان حاکمیت‌های دیگر را فراهم کرده‌اند.

در اسلام معیار تشخیص افراط‌گرایی تجاوز از شریعت حنیف است یا دوررفتن از حد شرعی و یا آنچه شرع بدان دستور می‌دهد. در واقع هر قدر که رفتار و عملکرد از قوانین رایج اجتماعی، سیاسی، و دینی فاصله بگیرد، افراطی‌گری صورت گرفته است (ملص، ۱۴۳۲: ۴۹-۵۰).

پس دانسته شد که افراط‌گرایی از تجاوز از پارادایم‌های دینی و منطقی حکایت دارد. سؤال این‌جاست که با فهم و تعریف این مفاهیم در دهه‌های اخیر چه عواملی زمینه خروج از اعتدال و تضعیف عقلانیت را فراهم کرده است؟ اعتقادات، تأویلات، و راه‌های ارتباطی

نوبین چگونه در شکل‌گیری پدیده افراط‌گرایی در جوامع مسلمان اثرگذار بوده است؟ آیا بحران‌های اجتماعی و اقتصادی هم در تضعیف عقل‌گرایی نقش دارند؟ نگاه سطحی به قرآن و روایات؛ وضع احکامی خارج از چهارچوب عقلانیت و اعتدال؛ رواج جهل و نادانی و بحران فقر که به کفر و سستی عقل منجر می‌شود؛ تبعیض و نابرابری اجتماعی؛ استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی برای ترویج عقاید تنگ‌نظرانه؛ فراهم‌شدن محیط نامناسب؛ ارتباطات تأثیرگذار گروه هم‌سالان؛ و دامن‌زدن بر اختلافات به جای تمرکز بر اشتراکات عواملی است که نقش پررنگی در خروج افراد از اعتدال و عقلانیت داشته است که در ادامه به هریک از این مؤلفه‌ها اشاره خواهیم کرد.

## ۲. پیشینه تحقیق

در باب سابقه پژوهش می‌توان به مقالات، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، و همایش‌هایی اشاره کرد که در زمینه اعتدال و عقلانیت و یا افراط‌گرایی نوشته شده‌اند، مانند: پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی و نقد نظریه اعتدال از دیدگاه علامه ملامهدی نراقی» نوشته مهین حدادیان در دانشگاه زنجان و مقالات «مبانی نظری اعتدال‌گرایی» نوشته سریع‌القلم و «مبانی و روش‌های تربیت عقلانی از منظر اسلام» نوشته رحمت‌الله مرزوقی و یحیی صفری و دیگر پژوهش‌های فراوانی که در این مختصر نمی‌گنجد.

آنچه نویسندگان در این مقاله به آن می‌پردازند نگاه فراگیر به پدیده افراط‌گرایی و عوامل اثرگذار در این پدیده است. نویسندگان نه‌تنها به بیان این عوامل اثرگذار در عنوان‌های مجزا و شرح هر کدام در ذیل مثال و توضیح محسوس می‌پردازند، بلکه با فرض عکس این عوامل، راه‌کار رسیدن به عقلانیت و اعتدال را نیز به‌دست می‌دهند؛ این امر پژوهش حاضر را، به دلیل سادگی و عینی‌بودن مطالب، از دیگر پژوهش‌ها متمایز می‌کند. با توجه به توضیح مفاهیم اصلی در مقدمه، در ادامه به توضیح هریک از عوامل می‌پردازیم.

## ۳. عوامل اثرگذار در تضعیف عقلانیت و اعتدال‌گرایی

### ۱.۳ سطحی‌نگری و برداشت نادرست

یکی از مشکلات اصلی در برداشت از متون دینی سطحی‌نگری داعیان دین و به دنبال آن صدور فتوا و القای آن به نسل جوان و نوجوان است؛ البته این تأثیرپذیری بعضاً در مساجد و محافل دینی به شکل غیررسمی به کودکان نیز القا می‌شود. در واقع دین مقوله‌ای است که

نه برای یک زمان و یک مکان، بلکه باید در همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها توانایی به‌رخ‌کشیدن خود و بهره‌وری خویش را داشته باشد؛ و اگر غیر از این تصور شود، اصل دین زیر سؤال می‌رود. در نتیجه دین به نفس خود مقوله‌ای است پویا که مطابق با زمان و مکان توانایی استفاده از آن می‌رود. متأسفانه دیرزمانی است مشاهده می‌شود که در بلاد اسلامی برخی داعیان دین و علمای دینی بعضاً به ترجمهٔ تحت‌اللفظی متون دینی از جمله متن قرآن و احادیث پیامبر استناد و اکتفا کرده‌اند و براساس همان ظاهر و کلمات فتوایی را صادر می‌کنند که به افراط‌گرایی دامن می‌زند. هم‌چنان که در زبان‌های مختلف جملاتی گفته می‌شود که براساس ظاهر کلام معنا دارد، اما در واقع معنایی غیر از آن اراده می‌شود، مانند ابهام، کنایه، توریه، استعاره، مجاز، و تشبیه.

به گفتهٔ علمای علم بلاغت، قرآن بلاغت محض است و احادیث پیامبر که از قرآن سرچشمه می‌گیرد آکنده از بلاغت و معانی نهفته است. جزئی‌نگری و سپس حکم‌بر کلیت‌دادن و استناد به یک آیه و یک حدیث به‌منزلهٔ یگانه منبع صدور احکام، که انطباقش با درک و توانایی مردمان امروز منافی باشد، خود رهاورد سطحی‌نگری است. در واقع باید کلیت قرآن و احادیث را مدنظر داشت و براساس آن فتوا داد که خروجی آن با استناد به نص صریح قرآن و احادیث رحمة للعالمین و امة الوسطی است. نمونهٔ نبود عقل‌گرایی و تفسیر نادرست از متون قرآنی و دینی را می‌توان در عملکرد اندیشهٔ وهابیت و گروه داعش نظاره کرد که طی سال‌های اخیر فتوایی صادر کرده‌اند مبنی بر مباح بودن تجاوزات و جنایات بر ضد جریانات مختلف دینی و استخراج احکامی تازه با تفسیر و تأویل خود که بیش از هر چیز با خشونت و نادیده‌گرفتن حقوق آدمی ارتباط دارد. برای نمونه گروه تندرو داعش زنان را با استناد به آیهٔ ۲۴ سورهٔ نساء<sup>۱</sup> وسیله قرار می‌دهد برای به‌وجود آوردن نسلی جدید که با شکلی خاص و مطابق با ایدئولوژی افراط‌گرایانه‌شان آن نسل را تربیت کنند و از این رو بر زندگی جنسی زن و وظیفهٔ فرزندآوری او، که بخشی از چشم‌اندازهای داعش و گروه‌های مانند آن برای ساختن دولت اسلامی است، اثر بگذارند (تقریر الامین العام عن التهديد الذي يشكله تنظيم الدولة الاسلامية العراق والشام (داعش)، ۲۰۱۶: ۵).

توهم رسیدن به رستگاری با تکیه بر آیات قرآن، که بر قتل کفار و مشرکان تأکید دارد، خود راه‌کار جذب جوانان مسلمان از سایر نقاط دنیا بوده است. طی تاریخ گروه‌هایی مانند اشاعره و اخباریان، که با عقلانیت دینی به‌طور کلی مخالفت می‌ورزند، فهم این‌گونه مسائل و پرداختن به روشن‌گری و تحلیل عقلانی قرآن را بدعت و حرام دانسته‌اند و اعتقاد دارند که دین بیش از آنچه از ظاهر واژگان قرآن دانسته شود چیز دیگری از ما نخواسته است.

استاد مطهری در نقد این شیوه می‌گوید: «این شیوه برخورد با قرآن خیلی زود باعث انحراف و گمراهی می‌شود؛ زیرا اینان که ناگزیر از توضیح معنای آیات بودند قهراً نوعی برداشت عوامانه از قرآن برای شان حاصل می‌شد. آن‌ها به دلیل همین طرز تفکر خیلی زود از جاده درک صحیح منحرف شدند و اعتقادات نادرستی پیدا کردند» (مطهری، ۱۳۷۶: ج ۱، ۲۶).

پیدایش گروه‌هایی چون القاعده و طالبان و جبهه‌های النصر و داعش به دلیل همین سطحی‌نگری‌هاست که البته منافع اقتصادی و حمایت بیگانگان را در شکل‌گیری این جریان‌ها نباید دور از ذهن دانست. اسلام به معنای کلی دین آسان‌گیری است و تکلیف به اندازه توانایی و توانمندی است: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا أَلَّا وُسْعَهَا» (بقره: ۲۸۶) و در جایی نیز با عنوان رحمة للعالمین نام برده شده است. ناگفته پیداست که رحمة للعالمین شامل همه جهانیان است، اما همه جهانیان جزو پیروان دین اسلام شمرده نمی‌شوند؛ پس به ناگزیر این ادیان و مذاهب غیراسلامی نیز با توجه به نص صریح آیه مشمول این رحمت و عطف قرار گرفته‌اند. باید گفت، کلیت دین انسان‌سازی و کمال آدمی است، اما اگر فرد دچار جزئی‌نگری شود و براساس آن بر کلیت حکم دهد، به خطا رفته است و به تصمیم‌گیری و برداشت‌هایی نائل می‌آید که سبب تباهی خود و دیگران و دامن‌زدن به افراط‌گرایی می‌شود.

### ۲.۳ بی‌سوادی و جهل

در اهمیت عقل‌مداری نخست به این کلام و حیانی می‌توان رجوع کرد که خداوند فرموده است: «ان فی ذلک لآیاتٌ لاولی النہی»: راستی در آنچه گفته شد، درس‌هایی برای خردمندان است (طه: ۵۴) و «مایتذکرُ الا اولوالالباب»: متذکر نمی‌شوند مگر صاحبان عقل (آل عمران: ۷). در اقوال و امثال مردم از دیرباز گفته شده که داشتن دشمن عاقل به از داشتن دوست نابخرد و جاهل است، زیرا دوست جاهل با رفتار و کردارش فرد را گرفتار مهالک عدیده‌ای می‌کند که خروج از آن‌ها هزینه‌های گزافی به دنبال دارد. در واقع دانش را می‌توان موتور محرکه عقلانیت و اعتدال در برابر بی‌سوادی و جهل دانست؛ زیرا آدمی که فاقد عقل باشد، طبعاً خالی‌الذهن جلوه می‌کند و افراد خالی‌الذهن بیش‌تر و راحت‌تر تحت تأثیر حرف‌های دیگران قرار می‌گیرند. فرد بی‌سواد و جاهل به علت نداشتن دانش کافی قدرت به‌چالش کشیدن اقوال و آرا و مقابله به‌مثل را ندارد و به راحتی خلع سلاح فکری می‌شود و فرد قائل می‌تواند وی را به راحتی با خود همراه کند و بعد از بارگذاری فکری او را آماده هر حرکت رادیکال و افراطی کند.

به گفته سیدجمال‌الدین اسدآبادی: «برای مطابقت با شرایط علمی دنیای مدرن باید اعتقادات را به محل عقل سنجید و کلام خدا را در جهت آزادی سیاسی و بی‌نیازی اقتصادی و حقوق حقه انسانی آن‌ها فهمید. مسلمانی که بدین‌سان از بند خرافات و تعصب‌های ناروا رها می‌شود و به حقایق دینی خود آگاهی می‌یابد و امکانات جدید آن را درمی‌یابد، نه فقط تعدی غیرانسانی را به شخصیت خود نمی‌پذیرد، بلکه عملاً با اتحاد با دیگر برادران مسلمان شائق می‌شود و از این ره‌گذر اسلام را به عالی‌ترین درجه قدرت می‌رساند» (مجتهدی، ۱۳۶۳: ۱۹).

### ۳.۳ فقر و بی‌کاری

فقر و بی‌کاری عامل دیگری در خروج از مسیر اعتدال و عقلانیت است. هر انسانی در گام اول به دنبال رفع نیازهای اولیه خویش است، از جمله نیاز به خوراک، پوشاک، بهداشت، مسکن، و ازدواج و این‌ها حقوق اولیه هر انسانی است. از آن‌جا که این نیازها به دلایل مختلف در جوامع جهان سوم و در حال توسعه مرتفع نمی‌شود، باعث نوعی عقده روانی در فرد می‌شود تا جایی که حتی سلامت جسمانی وی را به‌خطر می‌اندازد. فردی که سلامت جسمی و روانی وی به‌خطر افتاده باشد می‌تواند به‌راحتی سلامتی و امنیت دیگران را به‌خطر بیندازد. حال در این میان اگر فرد یا گروهی وجود داشته باشد که به این گروه از افراد وعده تأمین نیازهای اولیه و بهره‌وری از حقوق و مزایایی بدهد و در کنار آن اندیشه جاودانگی و بهشت را به آنان تلقین کند، دور از ذهن نیست که این افراد به‌راحتی جذب جریانات رادیکال شوند، چون این جریانات در واقع به خواسته‌های آن‌ها پاسخ می‌گویند و موجبات آرامش جسمی و روانی‌شان را فراهم می‌کند. افغانستان شاهد خوبی برای این مدعاست.

وقتی انسان‌ها ثبات اقتصادی نداشته باشند، آزادی اندیشه و دین‌داری آن‌ها هم مخدوش می‌شود. از آن‌جا که اساس دین‌داری عقل‌محوری است، روی آوردن به استدلال و برهان در شرایطی محقق می‌شود که حداقل‌های معاش تأمین شده باشد. از این رو است که به اهمیت این سخن حضرت علی (ع) خطاب به فرزندش محمد حنفیه پی می‌بریم که فرمود: ای فرزند من از تهی‌دستی بر تو هراس ناکم، از فقر به خدا پناه ببر که همانا فقر دین انسان را ناقص و عقل را سرگردان می‌کند و عامل دشمنی است (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹: حکمت ۳۱۹).

### ۴.۳ کارکرد ناصحیح فضای مجازی

یکی دیگر از مواردی که به خروج از عقلانیت و اعتدال دامن می‌زند شکل‌گیری و رشد روزافزون برنامه‌های ماهواره‌ای است. خواه شبکه‌هایی که علناً داعی فساد و بی‌بندوباری نسل جوان و زدودن نگرش دینی و عقلی است و خواه برنامه‌هایی که در ظاهر به ترویج مفاهیم دینی می‌پردازد و در این میان به جای رشد و تعالی مفاهیم دینی غالباً به تخریب و آسیب دین دست می‌زند. این امر چه از ناحیه داعیان مذهب اهل سنت و چه از ناحیه داعیان مذهب اهل تشیع و کسی که در لباس دین به ارزش‌های دیگران حمله‌ور می‌شود و باعث جبهه‌گیری و نزاع افراد و پیروان مذاهب می‌شود مردود و غیرسازنده است؛ اگر به مقدسات و ارزش‌های بنیادی یک فرد یا جماعت توهین شود، آن گروه واکنشی سخت‌تر و مخرب‌تر نشان می‌دهد و حتی می‌توان گفت علت شکل‌گیری جریان‌ات خارج از عقلانیت و اعتدال رفتارهای ناشایستی است که از جانب برخی از داعیان دین‌نما صورت می‌گیرد که به‌حتم رأی و اجماع علما بر این رویکرد نیست.

برخی از داعیان دین با استناد به همین اقوال و بی‌حرمتی‌ها، که در شبکه‌های غیررسمی صورت می‌گیرد، آن‌ها را دست‌مایه خود برای رشد افراطی‌گری و جذب نیروها قرار می‌دهند که چه‌بسا افرادی از سر صدق بر این جماعت وارد می‌شوند و از آن‌ها تبعیت می‌کنند و ناخواسته به ویران‌گری و به‌خطرانداختن جان و مال خود و دیگران اقدام می‌کنند. بنابراین صاحبان و حامیان شبکه‌های متحجر و متعصبی که به ظن خود به اشاعه فرهنگ اسلامی ناب از نگاه مذهبی خود می‌پردازند خود یکی از مهم‌ترین عوامل خروج توده مردم از اعتدال و عقلانیت‌اند که تعبیر و روشن‌گری و تفسیرهای منصفانه علمای راستین دین و مذهب می‌تواند آبی بر آتش این اعمال، افراطی‌گری، و رادیکالیسم باشد.

فضای مجازی، اینترنت، و برنامه‌هایی چون تلگرام دربرگیرنده کنش و واکنش‌هایی است که به‌صورت مکمل در زندگی واقعی مردم ایفای نقش می‌کند. اطلاعات، به‌منزله عامل کلیدی ارتباطات مجازی، نقش عمده‌ای در برقراری روابط و وابستگی‌های افراد به یکدیگر و یا به منابع اطلاعاتی دارد؛ اگرچه تمیزدادن اطلاعات درست از غلط در این فضا امری دشوار است، اما تأثیرگذاری این فضا در افکار و اعتقادات انسان‌ها می‌تواند روند زندگی واقعی را تحت تأثیر قرار دهد. در این زمینه، گری بانت<sup>۲</sup> در کتابی به نام *اسلام در عصر دیجیتال، جهاد، فتوهای آنلاین و محیط اسلامی سایبری* گفته است:

به دلیل محدودیت دولت‌ها در خاورمیانه و غیرخودی‌دانستن مسلمانان در جوامع غربی، دنیای مجازی محل و بزنگاه تولید و بازتولید گفتمان اسلام سیاسی شده است. از این دیدگاه، جهاد و فتوایی که به صورت زنده به وسیله بازیگران خشن پخش می‌شود به سرعت و بی‌محدودیت و نظارت دستگاه‌های رسمی دولتی در خاورمیانه گسترش می‌یابد و توجه جوانان مسلمانی را جلب کرده است که اسلام را در چهارچوب این محیط تعریف می‌کنند و در دنیای واقعی اشاعه می‌دهند (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۴۶۲).

### ۵.۳ محیط نامناسب

یکی دیگر از عوامل خروج از عقلانیت و اعتدال قرارگرفتن در محیط نامناسب از لحاظ فکری و ایدئولوژیکی است. بنا بر عقیده عموم روان‌شناسان، انسان و ایدئولوژی وی مولود محیط و وراثت است که البته میزان تأثیرپذیری از این دو مورد در برهه‌های مختلف زمانی متغیر بوده است، اما چیزی که ثابت و انکارناشدنی است تأثیرپذیری از محیط است؛ البته نه به شکل مطلق، بلکه می‌توان گفت غالباً افراد شبیه محیطی می‌شوند که در آن رشد و نمو یافته‌اند. مثال ملموس‌تر رشد افراطی‌گری در میان جوامعی است که بیش‌تر در لاک سستی خود فرورفته‌اند یا نتوانسته‌اند خود را با زمان و مکان تطبیق دهند. تمایل فکری افراد این جامعه بیش‌تر به سوی خروج از اعتدال و ناسازگاری با دنیای امروز است که در نهایت به شکل فتاویی در جهت جهاد و رادیکالیسم نمود پیدا کرده است و ماحصل آن شکل‌گیری قارچ‌گونه جماعات و گروه‌های افراطی در آن سرزمین‌هاست.

ناگفته پیداست، جوامع خاورمیانه زمینه مناسبی برای رویش بذر ترور و رادیکالیسم بوده‌اند که امروز جنگ‌های منطقه در لباس جهاد و بنیادگرایی شاهد خوبی بر این مدعاست. این امر را در مقیاس‌های کوچک‌تر نیز شاهدیم؛ از جمله در شهرها و روستاها نیز این امر در جریان است.

در واقع برای تغییر کافی است که فکر فرد را تغییر دهیم، آن‌گاه خود بقیه کارها را انجام می‌دهد. طبعاً فردی که از لحاظ فکری شست‌وشوی مغزی شده باشد دیگر همان داعی منبع و مرجع تمام اقوال، حرکات، و اعمال وی می‌شود و چیزی مانند منطق و اعتدال در فرهنگستان ذهن وی نمی‌گنجد، بلکه یگانه چیزی که به او جهت می‌دهد همان افرادی‌اند که در آن محیط با آن‌ها در ارتباط بوده است. این امر به خوبی نقش تأثیرگذاری محیط در افراد را نشان می‌دهد. هرچند که این تغییر به شکل خزیده و آرام صورت گیرد، اما در نهایت به شکل عملی و تخریب نمود پیدا می‌کند.



### ۶.۳ تأثیرپذیری سوء از گروه هم‌سالان

یکی دیگر از مواردی که باعث خروج از اعتدال و عقلانیت می‌شود تأثیرپذیری از گروه هم‌سالان است؛ به‌خصوص رده‌های سنی کودک و نوجوان که افراد در آن به‌راحتی تحت تأثیر دیگران قرار می‌گیرند و هم‌سالان خود را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهند.

در واقع داشتن روابط و هم‌نشینی افراد با گروه هم‌سالانی که از لحاظ فکری مسموم شده باشند تبعات جبران‌ناپذیری برای افراد جامعه دارد. حال اگر این افراد با اماکن و افرادی در ارتباط باشند که مشوق ترور، بنیادگرایی، و مواردی از این قبیل باشند، اثرها و پیامدهای مهلک‌تری را در پی خواهد داشت. در جوامع امروز گروه هم‌سالان و دوستان تا جایی به حریم فکری هم‌دیگر وارد می‌شوند که چه‌بسا فرد این نزدیکی را تا این حد با اعضای خانواده خود نداشته باشد. این تأثیر و تأثر در قالب ضرب‌المثل‌هایی هم مشهود است، آن‌جا که می‌گویند: «تو بگو با کیان زیستی تا بگویم تو کیستی» یا در جای دیگر گفته می‌شود: «بگو دوست تو کیست تا بگویم چگونه فردی هستی» و این‌که «دو فرد اگر با هم باشند تا خوی هم‌دیگر را نگیرند بوی هم‌دیگر را می‌گیرند». مثال ملموس‌تر شباهت نوع پوشش گروه هم‌سالان و دوستان و اشتراک و هم‌سانی نوع الفاظ و تکه‌کلام‌هایی است که به‌کار می‌برند که خود گواه بر این مدعاست. به‌خصوص اگر این گروه هم‌سالان و دوستان در طیف سنی کودک و نوجوان باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هم‌نشینی با دوستی که خارج از نظام فکری معتدل حرکت می‌کند، باعث خروج از عقلانیت و اعتدال فکری دیگران می‌شود.

### ۷.۳ تمرکز بر اختلافات و کم‌رنگ‌شدن اشتراکات

امروزه یکی از عواملی که در خروج از اعتدال و عقلانیت در میان مذاهب مختلف و در جوامع عربی و ایرانی بیش‌تر مسئله‌ساز شده تمرکز بر اختلافات فکری، که همان فروع دین است، و کم‌رنگ‌شدن اشتراکات به‌شکل عملی است. دین اسلام به دو شاخه اصلی تشیع و تسنن منشعب شده است که هر کدام از فرق با شاخه‌های مندرج در آن در برهه‌های مختلف زمانی به افراط و تفریط رفته‌اند. سیدجمال‌الدین اسدآبادی در یکی از سخن‌رانی‌هایش بیان می‌کند که یگانه چیزی که امروز جهان اسلام بر آن اتحاد دارد این است که در هیچ چیزی با هم اتحاد نداشته باشند و همین فجوی را از سخنان اقبال لاهوری و بسیاری دیگر از اندیشمندان مسلمان می‌توان برداشت کرد.

امروز مذاهب مختلف اسلامی هر کدام تمام سعی خویش را به کار گرفته و می‌گیرند که خود را حق و معیار مطلق قرار دهند. در صورتی که به جای این زورآزمایی کافی است بر اشتراکات خود تمرکز کنند و از این منظر باعث تقویت عقلانیت، اعتدال، و پیشرفت فکری و معیشتی جوامع خود شوند. امری که جوامع مسیحی در قرون وسطی شاهد آن بوده‌اند، امروزه دامن‌گیر جوامع اسلامی شده است. در آن زمان اختلافات شدیدی میان مذاهب مسیحیت از جمله پروتستان، کاتولیک، و ارتودکس به وجود آمد، به گونه‌ای که به دنبال آن تحجر، عقب‌ماندگی، تخریب، و ویران‌گری‌های عدیده‌ای گریبان‌گیر جوامع اروپایی آن روز شد؛ تا این‌که علمای دین و حاکمان جوامع به این نتیجه رسیدند که به جای دامن‌زدن بر اختلافات بر اشتراکات خود دقیق و متمرکز شوند و به این طریق قلب مردمان سرزمین‌های خویش را بیش‌تر و بهتر به هم نزدیک کنند. این‌گونه شد که فرق متعدد مسیحیت توانایی زندگی مسالمت‌آمیز همراه با مسامحه و سازش را پیدا کردند و به جای تخریب‌کردن هم به این نقطه نائل آمدند که دین جوهری ثابت دارد که همان مسیر در حرکت الهی است و با تکیه بر این جوهر بیش‌تر عداوت‌ها و کینه‌توزی‌ها از بین می‌رود و مهربانی، صلح، و پیشرفت و در راستای آن عقلانیت و اعتدال در قلب مردمان جاری می‌شود؛ امری که به‌نوبه خود باعث پیشرفت فکری و حتی اقتصادی جوامع اروپایی شد. در واقع این همان مهره گم‌شده جهان اسلام است که با تغییر نگرش و دوری‌گزیدن از اختلافات و تمرکز بر اشتراکات به عقلانیت و اعتدال نزدیک‌تر و به‌طور قطع باعث رشد و تعالی همه‌جانبه جوامع اسلامی شود. از این رو، تقویت مراکز پژوهشی و جمع‌آوری گفتمان‌های وحدت‌بخش را می‌توان راهی برای دریافت مشترکات دینی و در نهایت صلح پایدار برشمرد.

#### ۴. نتیجه‌گیری

از پژوهش حاضر چنین برمی‌آید که نگرش عقلایی و روش اعتدالی از قرون نخستین مورد پسند و اهتمام اندیشمندان و علما بوده است. به‌کارنبستن اندیشه در عملکرد فردی و گروهی، به‌ویژه در وضع و اجرای احکام دینی که اغلب در وضع قوانین اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و غیره هم تأثیرگذار است، طریق تعصب و افراط‌گرایی را پیش روی برخی قرار داده است.

سطحی‌نگری در فهم قرآن و متون؛ تنیده‌شدن در تاروپود بی‌سوادی و فقر فکری؛ میدان‌دادن به هر جماعتی که با دو ابزار قدرت و ثروت نگاه و اعتقاد خود را بر همگان تحمیل می‌کند؛ فقر مادی و بی‌کاری نسل جوان که برای رهایی از این اوضاع با هدف

دستیابی به ثروت و قدرت به سمت گروه‌های افراطی و یا متعصب و متحجر می‌روند؛ نابرابری اجتماعی در بلاد مختلف؛ قرار گرفتن در معرض شبکه‌های اینترنتی و ماهواره‌ای در خدمت تبلیغات مفسدانه و آرا و اندیشه‌های خارج از منطق؛ محیط نامناسب که بستر شبیه‌سازی و سربرآوردن توده‌های نامتعارف می‌شود؛ تأثیر و تأثر گروه هم‌سالان در رعایت نکردن هنجارهای دینی و اجتماعی جامعه؛ و سرانجام تمرکز بر اختلافات عقایدی و زیرپا گذاشتن مشترکات باعث نادیده گرفتن عقلانیت و اعتدال و بروز افراط‌گرایی می‌شود. به نظر می‌رسد تلاش برای برقراری عدالت اجتماعی در بین مذاهب و قومیت‌های مختلف؛ فراهم شدن نشست‌هایی برای گفت‌وگوی ادیان و مذاهب که خود راه‌حلی برای شناخت افراط‌گری دینی است؛ بالابردن بصیرت و شعور آحاد مختلف مردم؛ جلوگیری از تبلیغات سوء شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی؛ جلوگیری از جبهه‌گیری‌های خصمانه دینی و مذهبی و تمرکز بر ایجاد وحدت، مودت، اشتراکات، و به‌حاشیه‌راندن اختلافات؛ برآوردن نیازهای اولیه برای آحاد جامعه به دور از هر تبعیض مذهبی و قومیتی؛ و سهمیم کردن افراد سالم و متعهد در مناصب اداری و حکومتی خود قرابت فکری و قلبی را بین مردم و حکومت به‌بار خواهد نشاناند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا.

2. Bunt, Gary R. (2003). *Islam in digital age, e-jihad, online fatwas and cyber Islamic environments*, Pluto pr.

### منابع

قرآن کریم.

نهج‌البلاغه (۱۳۷۹). ترجمه محمد دشتی، قم: نشر لاهیجی.

ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۹۲). *نوسلفی‌گری و جهانی شدن امنیت در خاورمیانه*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ارسطو (۱۳۸۵). *اخلاق نیکوماخوس*، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران: طرح نو.

تقریر الامین العام عن التهديد الذي يشكله تنظيم الدولة الاسلامية العراق و الشام (داعش)، ۲۰۱۶.

تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). *تصنیف غررالحکم و دررالکلم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

حدادیان، مهین (۱۳۹۰). «بررسی و نقد نظریه اعتدال از دیدگاه علامه ملامهدی نراقی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان.

سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۲). «مبانی نظری اعتدال‌گرایی»، *مهرنامه*، شهریورماه.

سید عویس (۱۹۸۲). *بحث الحركات الدينية المتطرفة*، موقع المركز القومي للبحوث الاجتماعيه و الجنائية.

مجتهدی، کریم (۱۳۶۳). *سیدجمال‌الدین اسدآبادی و تفکر جدید*، تهران: نشر تاریخ ایران.

محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۶). *میزان الحکمة*، ج ۱۰، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.

مرزوقی، رحمت‌الله و یحیی صفری (۱۳۷۶). «مبانی و روش‌های تربیت عقلانی از منظر اسلام»، *نشریه تربیت اسلامی*، ش ۵.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). *آشنایی با قرآن*، ج ۱، تهران: صدرا.

ملص، مصطفی (۱۴۳۲ ق). «دراسات و مقالات: قراءة فی واقع ظاهرة التطرف و فی کیفیة التعاطی معها»، *رسالة التقرب*، العدد ۸۳، لبنان.